



تحلیل آثار دکترین جوچه بر ماهیت و ساختار سیاسی دولت کره شمالی



دکتر حسن خسروی *

چکیده

نظام سیاسی کره شمالی متأثر از آموزهای سوسیالیسم، مکتب جوچه و دستاوردهای انقلابی کیم ایل سونگ (رهبر اول) سازماندهی شده است. جوچه به معنای خوداتکایی است و تأکید ویژه‌ای بر انسان و خودآینی در تعیین سرنوشت دارد. هدف اساسی پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی، بررسی تأثیرات این دکترین بر قانون اساسی، ماهیت و ساختار سیاسی این کشور است. بنابراین پرسش اصلی مقاله آن است که دکترین جوچه چیست؟ چه مؤلفه‌هایی دارد و چه اثر بر ساختار سیاسی کرده شمالی دارد؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دکترین جوچه با الهام از اندیشه‌های رهبر اول کره شمالی و با تکیه بر این مفهوم، از سه مولفه: استقلال در سیاست، خودکفایی در اقتصاد و خوداتکایی در دفاع ملی، تشکیل و مبنای زمامداری در این کشور شده است. علی‌رغم آثار مثبت این دکترین در رهایی ملت از استعمار ژاپن و عدم نفوذ بیگانگان در کشور، حفظ امنیت و ثبات جامعه، نتوانسته است در مسیر غایات و آرمان‌های خود قرار گیرد و به ابزاری در ید خاندان کیم قرار گرفته تا با سوءاستفاده از مؤلفه‌های این دکترین، به اقتدارگری و سطله‌گری خود بر ملت و جامعه پردازند و عملاً نظام سیاسی کشور را به نظامی موروثی، غیردموکراتیک و ضدحقوق بشر تبدیل نمایند. در واقع، با سوءاستفاده از مؤلفه‌های این مکتب، دستاوردی جز عقب‌ماندگی، نقض حقوق بنیادین بشر، عدم توسعه، رویکرد نظامی‌گری و انزوای بین‌المللی برای ملت به بار نیاورده است.

کلیدواژگان

دکترین جوچه، نظام سیاسی، کره شمالی، توتالیتراریسم، خاندان کیم

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه حقوق عمومی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. / ایمیل: hkh.be82@yahoo.com

مقدمه

شبه‌جزیره کره در قرن بیستم دستخوش تحولات گسترده‌ای شده است (See: Nami, 2006) و تحت تاثیر اشغالگری ۴۰ ساله ژاپن و پایان آن در آخر جنگ جهانی دوم و توافقات دو فاتح جنگ یعنی شوروی و آمریکا بر سر تقسیم این سرزمین به دو کشور مجزای کره شمالی و کره جنوبی قرار گرفته است. با وضع اولین قانون اساسی کره شمالی در سال ۱۹۴۸ متعاقب خروج نیروهای نظامی فاتح جنگ، نظام سیاسی جدیدی تحت رهبری خاندان کیم آغاز شد. کیم سونگ‌ایل^۱ (رهبر اول کره شمالی از سال ۱۹۴۷ الی ۱۹۹۴) با حمایت کامل شوروی و لنین، قدرت را به طور کامل به عنوان ناجی مردم و بزرگ مرد انقلابی به دست می‌گیرد. فرایند تصدی قدرت سیاسی توسط کیم تحت فضای اشغالگری چندین ساله، مبارزات چریکی کیم با دولت اشغالگر ژاپن و قهرمان‌رهایی از یوغ استعمارگران و محبوبیت وی و حمایت اکثر مردم اتفاق می‌افتد. محور اقدامات و فعالیت‌های مبارزه‌طلبانه کیم، رهایی شبه‌جزیره کره از وجود قدرت‌های خارجی است. چنین اقدامات وی با پایان جنگ جهانی دوم و بیرون راندن ژاپن از سرزمین کره توسط شوروی و آمریکا توأم می‌شود و او چنین فرایندی را انقلاب می‌پندارند و با انجام تبلیغات گسترده خود را قهرمان ملی و ابرمرد رهایی‌بخش سرزمین و ملت می‌خواند.

در چنین بستری مکتب جوچه با محوریت حفظ دستاوردهای انقلاب و صیانت از کشور در برابر نفوذ و تسلط بیگانگان بر کشور، حق تعیین سرنوشت بدون دخالت قدرت‌های دیگر و در راستای تحقق عزت و وحدت ملی توسط کیم در سخنرانی‌های معروفش مطرح و منشا ساخت نظام سیاسی-حقوقی جدید کشور مستقل و آزاد کره شد و با هدایت و اقتدارگری وی و با الهام از مکتب لنینیسم و اندیشه‌های سوسیالیستی-کمونیستی در قانون اساسی دوم در سال ۱۹۷۲ به عنوان پایه اساسی کلیه اقدامات دولت و مردم، محتوای قوانین و مقررات و مبنای کلیه امور اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی و غیره قرار گرفت. دکترین جوچه، مظهر آرمان‌های انقلاب و اندیشه-های رهایی‌بخش مردم انقلابی و استقلال سیاسی در برابر خارجیان و راهبرد مدیریت سیاسی کشور و سبک زندگی مردم است. پس درک دکترین جوچه و به نقش آن در ساماندهی نظام سیاسی و حقوقی کره شمالی، مستلزم فهم پایه‌ها، بسترها و مولفه‌های این مکتب می‌باشد. ارزیابی و تحلیل وضعیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و شیوه زمامداری اقتدارگری خاندان کیم و سبک زندگی مردم، نیز شدیداً وابسته به درک ابعاد مختلف دکترین جوچه است. شاید این ابهام برای همه مردم دنیا باشد که چرا سرزمین و شبه جزیره کره که قبلاً واحد و مشترک مردم کره بوده است بعد از تقسیم این دو کشور به شمالی و جنوب، کره جنوبی در ردیف یک کشور

^۱. Kim Il Sung

دموکراتیک، پیشرفته و آزاد قرار گرفته و کره شمالی مصداق بارز یک نظام توتالیتر، اقتدارگرا، موروثی، بسیار عقب مانده، عدم پابندی به موازین بین‌المللی حقوق بشر، روحیه نظامی‌گری، و دارای مردم مطیع است که در آن هیچ اعتراض یا شورش و کودتا یا تغییر سیاسی-اجتماعی اتفاق نمی‌افتد. بی‌شک، برای رفع چنین ابهاماتی باید به روند نهادینه‌سازی مکتب جوچه توام با ایجاد نهادهای جدید ابتکاری خاندان کیم، رجوع نمود. شکی در این مطلب نیست که شیوه زمامداری در این کشور غیردموکراتیک بوده و مردم تحت حکمرانی اقتدارگرا و یکتاسالارانه خاندان کیم و حزب کارگر است و با نظامی‌سازی و امنیتی نمودن زیرساخت‌های کشور اعم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی و کلیه امور، مردم را رچارچوب قدرت اقتداری خود به اسارت کشانده و امکان ذاتی برای هرگونه تغییر و تحولی در زمامداری از بین برده است و مردم یا از سر اعتقاد به مکتب جوچه، نوع شخصیت کاریزمایی و قهرمان ملی کره (کیم ایل‌سونگ) و یا ترس از مجازات و محرومیت‌های اجتماعی با چنین حکمرانی همراه هستند، به گونه‌ای که در انتخابات پارلمان سال ۲۰۱۹ صد درصد مردم در انتخابات مشارکت نمودند.

هدف اساسی پژوهش، تبیین ماهیت و مولفه‌های دکترین جوچه و تاثیرات آن در ماهیت و ساختار سیاسی این کشور است و ناشی از این ضرورت است که اطلاعات دقیقی از شیوه زمامداری این کشور در گفتمان حقوقی و سیاسی وجود ندارد و ابهامات بزرگی پیرامون سبک زندگی و ماهیت حاکمیت در این دولت و علل منزوی بودن در صحنه بین‌المللی و همسو نشدن با سایر کشورها حتی کره جنوبی وجود دارد. لذا در راستای رفع برخی ابهامات و تبیین نقش دکترین جوچه در این فرایند، پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی در مقام پاسخ به این پرسش است که ماهیت و ساختار سیاسی کره شمالی تا چند تحت تاثیر دکترین جوچه و شیوه اقتدارگرایی و همه‌گیری خاندان کیم می‌باشد؟ فرض بر این است که آرمان‌های دکترین جوچه توام با سبک زمامداری توتالیتریسم و روحیه اقتدارگری خان کیم، ساختار سیاسی و کلیه امور عمومی و خصوصی مردم را فرا گرفته و منشا تاسیس نظامی با تمام خصلت‌های یکتاسالاری و توتالیتری شده است.

۱- پیشینه

دکترین جوچه در ادبیات سیاسی و فلسفی کشور ایران بسیار ناشناخته است و تاکنون پژوهش علمی مستقلی پیرامون آن تدوین نشده و عمدتاً در فسفه سیاسی غرب تا حدودی به آن پرداخته شده است. یکی از دلایل عمده فقر منابع، عدم دسترسی به اسناد و داده‌های علمی در کره شمالی است که چندان قابل دسترس نیستند تا تحقیقات مفصلی در خصوص ماهیت و ساختار نظام سیاسی این کشور و آثار دکترین جوچه انجام شود. یکی از معدود مقالات چاپ شده در ایران، مقاله «مقایسه ساختار سیاسی و رویکردهای مرتبط با وحدت در کره شمالی و جنوبی»، اثر آقای

حسین شاه‌مرادی و محمدحسن شیخ‌الاسلامی در سال ۱۳۹۷ در مجله پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی است. در این پژوهش نویسندگان دست به مقایسه ساختار سیاسی دو کشور کره جنوبی و کره شمالی زده‌اند و امکان‌سنجی وحدت دو کره را خوشبینانه بررسی نموده‌اند اما به بسترهای بنیادین این رویکرد چندان اشاره‌ای ننموده‌اند، چراکه چنین امکانی فعلاً ذاتاً وجود ندارد، چرا که ماهیت حاکمیت در کره جنوبی از نوع لیبرالی، سرمایه‌داری، اقتصاد آزاد و دموکراسی است، در حالی که در کره شمالی، از نوع سوسیالیستی، اقتدارگرا، توتالیتر و غیر دموکراتیک می‌باشد. در خصوص کره شمالی، آقای رضا امیرخانی با سفر به این کشور در سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹، سفرنامه خود را در سال ۱۳۹۸ تحت عنوان «نیم دانگ پیونگ یانگ» در نشر افق به چاپ رسانده است. کتاب سراسر از هیجان و شرح وضعیت زندگی مردم کره شمالی در شهر پیونگ یانگ است و از این جهت که چهره واقعی و زنده از وضعیت زمامداری و حکمرانی در این کشور را گزارش می‌نماید، اثر بسیار ارزنده‌ای است اما با توجه به محدودیت‌های بسیار شدید دولت برای توریست‌ها، آنچنان توانسته حقیقت اسف‌بار نظام اقتدارگرا و توتالیتر خاندان کیم را به تصویر بکشاند. هرچند طی ملاقاتی که در تیرماه ۱۳۹۹ با ایشان داشتم، حقایق دیگری غیر از آنچه که در کتاب اشاره نموده بود، برایم بازگو نمود.

یکی از آثار مهم به زبان انگلیسی در این خصوص پژوهشی تحت عنوان «علیه توسعه: زیر پوست پیونگ یانگ چه می‌گذرد؟» می‌باشد که در سال ۱۳۹۹ در ایران ترجمه و به چاپ رسیده است. در این کتاب به بسیاری از حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نوع زمامداری خاندان کیم و تعاملات آن‌ها با دولت چین پرداخته شده است. نویسندگان معتقدند، صرفاً در یک صورت امکان اصلاحات در کره شمالی وجود و آن این است که نسل جدید، دکترین جوچه را چندان قبول ندارد و خاندان کیم با بحران مشروعیت مواجه هستند و با از بین رفتن نسل وفادار به دکترین جوچه، زمینه اصلاحات و توسعه در این کشور فراهم می‌شود. البته به نظر می‌رسد این رویکرد نویسندگان هم بسیار خوش‌بینانه باشد، چراکه دولت کره شمالی تمامی شاخصه‌های توتالیتریسم را دارا بوده و زمینه هرگونه اصلاحاتی را در آینده بسته است. یکی دیگر از پژوهش‌های بنیادین در این حوزه مقاله‌ای تحت عنوان «فلسفه سیاسی جوچه»، است که در آن آقای لی به تحلیل بنیادها و ارکان مکتب جوچه پرداخته است. در این مقاله تحلیل مناسبی از مولفه‌های مکتب جوچه و چگونگی کارکرد آن در نظام سیاسی کره شمالی پرداخته و به ناکارآمدی این مکتب در سعادت خوشبختی مردم پرداخته و مدعی شده است که آموزه‌های جوچه صرفاً نقش تحکیم اقتدارگری خاندان کیم را داشته و تحولی در اقتصاد، سیاست و توسعه کشور ایجاد نموده است. این پژوهش علی‌رغم جنبه‌های مثبت تحلیلی، ولی از ابعاد دیگر مکتب جوچه که باعث نابودی فرهنگ و تمدن کره شمالی و عقب ماندگی مردم شده غافل شده است.

۲- مبانی نظری دکترین جوچه

کره شمالی با اقتداگری خاندان کیم و شخصیت خودشیفته کیم ایل سونگ، پایه گذار این کشور گره خورده است. وی در دوران مبارزه علیه استعمارگری ژاپن، تحت تاثیر مکتب سوسیالیسم، کمونیسم و استالینیسم بود، اما بعد از به قدرت رسیدن، در تلاش بود تا اندیشه‌ای در این کشور نهادینه نماید که کشور و ملت بدون وابستگی و سلطه بیگانگان اداره شود. لذا با الهام از مکاتب فوق، مکتب جدید و ابداعی خود تحت عنوان «جوچه» را طی چندین سال بویژه از سال ۱۹۴۸ به بعد تشریح و نهایتاً در سال ۱۹۷۲ به طور رسمی آن را وارد قانون اساسی نمود. لذا کلیه امور سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نظامی، آموزشی و غیره باید از مبانی و مفاهیم مکتب با رهبری خاندان کیم تبعیت نماید.

واژه جوچه ریشه‌ای چینی-کره‌ای دارد.^۱ جوچه با تاکید بر انسان‌محوری بیانگر نوعی «خود اهمیتی یا خود مهمی» (Lankov, 2013: 67) و ترکیبی از دو واژه چینی است. «واژه (zhu) به معنای «مالک، دارنده، استاد، والا، برتر و مافوق» و واژه (ti) به معنی «بدن» می‌باشد و (ju che) معادل «بدنه اصلی یا بخش مهم» تعبیر می‌شود. از منظر اصطلاحی عبارت است از: «خودتعیین، تعیین-کننده سرنوشت، خودمختار، فردیت و استقلال» (Kim and Kim, 2005: 10). بعلاوه، جوچه حکایت از سیاست ملی‌گرایی، بیگانه‌ستیزی و بیگانه‌هراسی دارد (Beauchamp, 2018: 3). در گفتمان سیاسی به معنای «خوداتکایی» است (Trifoi, 2017: 6).

با بررسی اندیشه‌ها و سخنرانی‌های کیم ایل سونگ می‌توان به مفهوم و مولفه‌های دکترین جوچه به عنوان مبدع این نظریه پی‌برد. «در دسامبر ۱۹۵۵، کیم از اندیشه خوداتکایی سخن می‌گوید و طی سخنرانی مشهورش از «نابودی تعصب و فرمالیسم در کار ایدئولوژیک و استقرار جوچه» پرده برمی‌دارد. ۲- جوچه عبارت است از: والا و مهتر بودن انقلاب و ساختن کشورمان. بدین معنا که خیلی سریع به موقعیت مستقلی برسیم و وابستگی به هرگونه عامل و نفوذ خارجی را قطع کنیم، از داشته‌های فکری و مغزی خودمان استفاده کنیم، به توان و ظرفیت و قدرت خودمان باور داشته باشیم، در مقام اجرای آرمان‌های انقلاب خوداتکایی خودمان برآییم، مشکلات را خودمان تحت هر شرایطی بر اساس مسولیت‌پذیری حل نماییم» (Oberdorfer, 1997: 401). اصول دکترین جوچه توسط کیم، طی ارسال پیام مشهوری تحت عنوان «اجازه دهید از آرمان‌های

^۱. جوچه (주체) در زبان انگلیسی (Juche)، در زبان کره‌ای (주체) و در ادبیات کره‌ای Chosongul نامیده می‌شود و نام رسمی جوچه به زبان کره شمالی عبارت است از:

조선민주주의인민공화국 (Chosŏn Minjujuŭi Inmin Konghwaguk)

^۲. Self-Reliance

انقلاب، استقلال، خوداتکایی و دفاع ملی در همه امور دفاع کنیم»، خطاب به مجلس عالی خلق کره در ۱۶ دسامبر سال ۱۹۶۷ بیان شد، نشأت می‌گیرد: «دولت جمهوری کره در راستای استقلال، خوداتکایی، پایداری و دفاع ملی حرکت خواهد تا اینکه به استقلال سیاسی کشور (chaju) برسد و همچنین پایه‌های استقلال اقتصادی را محکم‌تر سازد، جهت تضمین و بیمه نمودن اتحاد و سعادت کامل ملت (charip) و افزایش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دفاع ملی کشور به منظور محافظت از امنیت میهن با اتکا به نیروی خودمان (chawi)، به طرز با شکوهی و با تجسم و قرار دادن ایده حزب مان، یعنی دکترین جوچه در همه زمینه‌های زندگی» (Lee, 2003: 106).

به طور خاص، اساس جوچه «انسان» است که استاد همه امور، به ویژه سرنوشت خودش است. البته این مفهوم صرفاً در پرتو هدایتگری رهبر واحد، که مرکز جامعه است، محقق می‌شود. وفاداری به رهبر، عنصر اصلی یک انقلاب پیروزمند سوسیالیستی در کره است و به نوبه خود عنصر اصلی ایدئولوژی جوچه است. بنابراین، ایدئولوژی چارچوبی را ایجاد کرد که اقتدارگرایی و خودشیفتگی کیم ایل‌سونگ، در روشی موجه، منشایی برای وفاداری بی‌چون و چرا از رهبر شد (Trifoi, 2017: 6-7).

بر اساس تعریف و مفاهیم ارائه شده از جوچه و اندیشه‌ها و سخنرانی‌های کیم ایل‌سونگ، سه اصل بنیادین «جوچه» استخراج می‌شود: ۱. استقلال در سیاست، ۲. خودکفایی در اقتصاد ۳. خوداتکایی در دفاع ملی» (Lee, 2003: 106). متعاقب این سخنرانی‌ها و بیان طرح کلی این اندیشه، دکترین جوچه، در سال ۱۹۷۲ با درج در قانون اساسی جدید جمهوری دموکراتیک مردم کره، به عنوان ایدئولوژی رسمی دولتی اعلام شد. در واقع، بعد از تثبیت مکتب جوچه در قانون اساسی و تمامی ابعاد زندگی مردم، گویی تبدیل به کتاب آسمانی و برترین هنجاری ایدئوریک شد و به عنوان آیینی مقدس مورد پرستش مردم قرار گرفت.^۲ جوچه در پیوند خوردن اراده هر فردی با اراده کیم ایل‌سونگ معنا پیدا می‌کند. جوچه، مسیری الهام‌بخش برای رسیدن به «خوشبختی و قدرتمند شدن» (Suh, 2002: 171) مردم است.

ایدئولوژی جوچه، انسان را به جای اقتصاد، محور قرار می‌دهد و بر استقلال و خودمختاری انسان تکیه می‌کند. جوچه بر تاکید بر انسان‌محوری، اعتماد به نفس و استقلال اراده را مبنای حرکت

^۱. Three fundamental principles of *Juche*: 1. Political independence (*chaju*), 2. Economic self-sustenance (*charip*), 3. Self-reliance in defence (*chawi*)

^۲. برای زنده نگهداشتن مکتب جوچه و یادآوری موسس آن یعنی کیم ایل‌سونگ برج جوچه در پیونگ‌یانگ ساخته شده است. همچنین ملموس‌ترین جنبه جوچه، همان ایدئولوژی رهایی‌بخش که اعجاز می‌کند، معرفی تقویم جدید در کره شمالی است که بر اساس آن، زمان با تولد کیم ایل‌سونگ آغاز می‌شود. سالی که او متولد شد (۱۹۱۲)، اولین سال جوچه‌است. بنابراین امسال (سال ۲۰۲۰ میلادی)، صد و نهمین سال جوچه محسوب می‌شود

بشر در جامعه می‌داند (Lee, 2003: 106). بر اساس چنین مفهومی از جوچه، زندگی و سعادت بشر، در ید رهبر عالی است و تبعیت از وی منجر به یافتن غایت انسان می‌شود و در واقع انسان می‌تواند با توسل به رهبر عالی در مسیر واقعی زندگی و آزادگی قرار گیرد (Nami, 2006: 2). دکترین جوچه با نفوذ در فکر، روح، جان و جسم مردم چه با پذیرش قلبی، منفعتی یا ترس و وحشت، هر گونه اندیشه و فکر دیگری را از بین برده است و با مقدس‌سازی این دکترین و رسمیت بخشیدن در قانون اساسی و نفوذ دادن آن به کل امور جامعه به عنوان تنها فکر و اندیشه درست و واحد، نوعی نظام توتالیتر و همه‌گیر را در کره شمالی نهادینه نموده است. این مکتب به عنوان ایدئولوژی واحد، در کره شمالی با تکیه بر حاکمیت فرد (انسان) بر زندگی و سرنوشت خود تحت رهبری احد، نظامی را ایجاد نموده است که مردم به اتکاء به خود و رهبری، در سیاست، اقتصاد، دفاع از وطن و در همه امور، در قالب توده مردم و به طور یکپارچه در مسیر وطن پرستی و ملی‌گرایی و یسکانه ستیزی جهت ساخت جامعه آرمانی سوسیالیسم گام بر می‌داند. اما چنین آرمانی در عمل منجر به اقتدارگرایی خاندان کیم و نظام سیاسی توتالیتر شده است که در عمل اندیشه‌ها و اراده رهبر کره شمالی، تعیین‌کننده سرنوشت مردم بوده و مردم باید آنگونه فکر کنند، که رهبر می‌اندیشد و هر فکری خارج اندیشه او، محکوم به نابودی است. جامعه عقب مانده کره شمالی و ویژگی توتالیتر آن محصول انحراف از اصول و مولفه‌های مکتب جوچه است.

دکترین جوچه علی‌رغم آثار مثبت آن در استقلال کشور و رهایی مردم از استعمار، اما در عمل تحت نفوذ اندیشه‌های اقتدارگری، خودکامگی و اراده یکتا سالاری کیم ایل‌سونگ و خاندان وی در نظام سیاسی و حقوقی کره شمالی و در سبک زندگی مردم نهادینه شد و موجب شکل‌گیری نظام سیاسی غیردموکراتیک با تمام خصیصه‌های «توتالیترایسم یا همه‌گیری» در این کشور شده است. در عمل، چنین رویکردی را می‌توان در این عبارت خلاصه نمود: «کیم، یعنی کره؛ کره یعنی کیم» (Trifoi, 2017: 6).

۲- تاریخچه قانون اساسی و نهادینه‌سازی مکتب جوچه^۲

قانون اساسی کره شمالی در تاریخ ۲۷ دسامبر ۱۹۷۲ توسط پارلمان با ابتکار و تسلط فائده حزب کارگر (حزب حاکم) به تصویب رسید و در سال‌های ۱۹۹۲، ۱۹۹۸، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹، ۲۰۱۰، ۲۰۱۳، ۲۰۱۶ و ۲۰۱۹ مورد بازنگری قرار گرفت. این قانون اساسی در عمل جایگزین اولین قانون اساسی شد که در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسیده بود. قانون اساسی از هفت فصل و ۱۷۱ اصل کاملاً بر اساس آموزه‌های انقلابی کیم ایل‌سونگ و مکتب جوچه تشکیل شده است.

^۱. Kim was Korea and Korea was Kim

^۲. The Socialist Constitution of the Democratic People's Republic of Korea

از زمان استقلال کشور کره شمالی و از بین رفتن اشغالگری ژاپن، این کشور دارای قانون اساسی شده است و اولین قانون اساسی متأثر از مکتب کمونیسم و آموزه‌های لنین و اندیشه‌های انقلابی کیم در سال ۱۹۴۸ تدوین شد. تا حدودی آموزه‌های جوچه در آن درج شده بود اما به صراحت از آن نام برده نشد. با نهادینه شدن نظام سیاسی جدید تحت رهبری واحد و اقتدارگونه کیم، برای تثبیت قدرت خود و تسلط بیشتر بر تمام امور کشور، مکتب جوچه به صراحت در مقدمه قانون اساسی ۱۹۷۲ و برخی مواد آن اضافه شد و عبارات کمونیسم و مفاهیم مرتبط با آن تعدیل شد. این قانون تاکنون ۸ مرتبه اصلاح شده است و روند اصلاحات در جهت تقویت قدرت خاندان کیم و نهادینه سازی نظام همه گیر و یکتاسلاری و افزایش قدرت نظامی بوده است. در این اصلاحات همواره بر نقش و جایگاه کیم ایل سونگ به عنوان رهبر کبیر، مظهر انقلاب، ناجی مردم، خورشید زمان، ستاره قطبی، ابرمرد، هویت بخش و غایت زندگی مردم کره شمالی نام برده می شود. در مقدمه آخرین اصلاحیه در سال ۲۰۱۹ آنچنان از جایگاه رهبر کبیر سخن گفته شده است که به جرات می توان گفت قانون اساسی مساوی با کیم و دکتترین جوچه است.^۱

قانون اساسی آنچنان تحت تاثیر آرمان‌های جوچه‌ای کیم قرار گرفته که از بعد از مرگ، به عنوان «رئیس جمهوری ابدی کشور» نام برده است و این عنوان برای همیشه به نام او بایگانی شده است و تصور عموم بر این است که او زنده است و در بین مردم بوده و هنوز هم در حال هدایت و رهبری آنان می باشد. روح او جاودانه و قهرمان کشور است و بر قلب و دل مردم حکومت می کند. در این راستا، مقدمه قانون اساسی اخیر که سراسر بر آموزه‌های مکتب جوچه و پیوند این مکتب با اراده و روح کیم تاکید می نماید و عمدتاً در مدح و ستایش کیم و حفظ دستاوردها انقلاب و اندیشه‌های او تنظیم شده است. در بخش‌هایی از مقدمه آمده است:^۲ «۱- جمهوری دموکراتیک خلق کره، سرزمین و وطن سوسیالیست مکتب جوچه است که ایده و رهبری «رهبر کبیر و رفیق، کیم ایل سونگ»^۳ را اجرا می نماید. رهبر بزرگ و عزیز، بنیانگذار جمهوری دموکراتیک خلق کره و پدر کره سوسیالیست است. ۲- رهبر کبیر مبدع ایده جاویدان جوچه بود و با سازماندهی و رهبری مبارزه انقلابی ضدژاپنی زیر پرچم خود، سنت‌های شکوه انقلابی را ایجاد کرد و به عامل تاریخی احیاء ملی را بدست آورد. او بر اساس ایجاد یک پایه محکم برای ساختن یک کشور مستقل و استقلال در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی، جمهوری دموکراتیک خلق کره را تأسیس کرد. ۳- رهبر کبیر با طرح خطوط انقلابی جوچه محور، مراحل مختلفی از انقلاب اجتماعی و کار سازندگی را با خردمندانه پیش برد و بدین ترتیب جمهوری را

^۱. The Preamble to the Constitution of the Democratic People's Republic of Korea

^۲. The Socialist Constitution of the Democratic People's Republic of Korea

^۳. Suryong: The great leader Comrade Kim Il Sung

به یک کشور سوسیالیستی با محوریت توده‌ها تبدیل و آن را بر پایه یک کشور سوسیالیستی مستقل، خودکفا و خوداتکایی دفاع ملی [ارکان سه‌گانه دکترین جوچه] توسعه داد. ۴- رهبر کبیر، یک نابغه در ایدئولوژی و تئوری، یک استاد در هنر رهبری، یک فرمانده درخشان آهنین همیشه پیروز، یک انقلابی کبیر و دولتمرد و مرد بزرگ بود. ۵- با تبعیت از آرمان‌های رهبر کبیر، کیم ایل‌سونگ، به عنوان رئیس جمهور ابدی جمهوری کره و حزب کارگر می‌توان از مکتب جوچه حمایت و پاسداری کرد. ۶- قانون اساسی سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک خلق کره، قانون اساسی کیم ایل‌سونگ نامیده می‌شود، چرا که نوعی مدون‌سازی آرمان‌های دکترین جوچه رهبر کبیر و شاهکاری در ساخت دولت مستقل است.»

برخی از مواد قانون اساسی به صراحت یا به طور ضمنی به دکترین جوچه اشاره نموده‌اند: ماده ۳- «جمهوری دموکراتیک خلق کره در فعالیت‌های خود با آرمان جوچه و اندیشه سونگون (اولویت-نظامی)، در چشم‌انداز جهانی با محوریت مردم، تحت ایدئولوژی انقلابی برای دستیابی به استقلال توده‌های مردم هدایت می‌شود.

ماده ۲۶: الف- اقتصاد ملی مستقل جمهوری دموکراتیک خلق کره یک پایه محکم برای زندگی شاد سوسیالیستی مردم و برای رونق این کشور است.

ب- دولت با پایبندی در مسیر ایجاد یک اقتصاد ملی سوسیالیستی و مستقل، و سعی در ارتقاء اقتصاد ملی، مدرن و علمی، و همچنین ایجاد اقتصاد کاملاً پیشرفته، یعنی جوچه‌محور، پایه‌های مادی و فنی متناسب جامعه کاملاً سوسیالیستی را ایجاد می‌کند.

ماده ۴۳- دولت اصول تعلیم و تربیت سوسیالیستی را اجرا می‌نماید تا نسل در حال رشد را به عنوان انقلابی‌های استوار پرورش دهد که برای جامعه و مردم بجنگند و همچنین پرورش افرادی از نوع جوچه‌محور که دارای دانش، اخلاق سالم و از نظر جسمی سالم هستند.

ماده ۵۰- دولت، دکترین جوچه را در تحقیقات علمی و فناوری نهادینه می‌نماید.

ماده ۵۲: الف- دولت هنر و ادبیات انقلابی ناشی از دکترین جوچه و همچنین ملی‌گرایی را در شکل و سوسیالیستی را در محتوای نظام توسعه می‌دهد.»

با بررسی مقدمه و برخی مواد قانون اساسی، می‌توان به دستاوردهای تحلیلی از آرمان‌ها و سیاست راهبردی سند قانون اساسی به شرح ذیل دست یافت:

۱- مکتب جوچه محتوای مواد قانون اساسی را تشکیل می‌دهد و تمام امور کشور اعم از قانونگذاری، زمامداری، فرهنگی، اقتصادی و تربیتی از آموزه‌های کیم و مکتب جوچه تبعیت می‌نماید.

۲- هر چند اصول قانون اساسی تحت تاثیر مکتب جوچه (ابداعی کیم ایل‌سونگ) و اصول ۱۰

گانه ایدئولوژی واحد^۱ (مدون شده کیم جونگ‌ایل در اصلاحیه‌های بعدی) قرار گرفته که در عمل برای تنزل قانون اساسی آمده‌اند و به جای اصول قانون اساسی به عنوان آموزه‌های قانونی برتر بر کلیه امور کشور حکومت می‌نمایند. متاثر از آرمان‌های رهبر کبیر و نهادینه‌سازی آموزه‌های جوچه و اصول ۱۰ گانه، سیاست ناسیونالیستی و سوسیالیستی در اصلاحات بعدی قانون اساسی در دستو کار قرار گرفت. دستاورد اصلی تدوین قانون اساسی ۱۹۷۲، احیای جمهوری خلق دموکراتیک کره به عنوان «یک کشور مستقل سوسیالیستی» تحت هدایتگری دکترین جوچه و موازین حزب کارگر، نهادینه‌سازی «آرمان‌های مارکسیسم-لنینیسم»، ساماندهی جامعه‌ای مبتنی بر «آرمان‌های انقلاب سوسیالیستی و آیین ناسیونالیستی» و نظام اقتصادی خودکفا و مستقل بود. در واقع، این قانون اساسی ترکیبی از گرایش‌های مذکور با ایدئولوژی جوچه است.

۳- کیم خدای مردم و روح قانون اساسی است و قانون اساسی مترادف با کیم است و مردم و دولت متعهد شده‌اند که پاسدار و وفادار به این قانون اساسی و مکتب جوچه باشند. پس مکتب جوچه همچون روح قانون اساسی و مواد آن همچون جسم و کالبد قانون اساسی شده‌اند که بدون مکتب جوچه و آرمان‌ها و آموزه‌های انقلابی رهبر کبیر، جسدی بیش نیست و ارزش اجرایی ندارد.

۴- موروثی شدن قدرت به دلیل تسلط حزب کارگر و صلاحیت انحصاری پارلمان در وضع و اصلاح قانون اساسی است. رئیس و دبیر کل حزب کارگر رهبر کشور است و گل اعضای پارلمان عضو جبهه متحد میهنی هستند که بیش از ۹۰ درصد کرسی‌ها تحت سلطه حزب کارگر است و سایر احزاب هم تحت نفوذ فائقه حزب حاکم می‌باشند. حزب کاملاً تحت نفوذ رهبر کره و وفادار مطلق به وی می‌باشد و هرگونه تغییری در ساختار نظام یا قانون اساسی قطعاً با ابتکار وی می‌باشد. وی با در اختیار داشتن همه قدرت‌های اصلی نظام سیاسی (اعم از شورای دولت، ارتش، نیروهای نظامی و امنیتی، قوه قضائیه، حزب کارگر، نمایندگان مجلس و غیره) به راحتی می‌تواند قانون اساسی را در راستای خواسته‌ها و روحیه اقتدارگری خود اصلاح یا سمت‌وسو دهد. همچون اصلاحیه سال ۲۰۱۹ که پارلمان وی را به عنوان رئیس شورای امور دولتی (معادل رئیس قوه مجریه و رئیس جمهور) منصوب نمود که تا پیش از این انتخابی پارلمان بوده، که این سمت به طور دائمی به کیم جونگ‌اون (رهبر فعلی) رسید و دیگر رئیس قوه مجریه انتخابی و در صلاحیت پارلمان نخواهد بود و سمتی است که در کیم خلاصه می‌شود.

۱. مجموعه‌ای از ده اصل و شصت و پنج بند به عنوان آموزه‌هایی مکمل مکتب جوچه، است که استانداردهایی را برای زمامداری و هدایت رفتارهای مردم را تعیین می‌نمایند. آنها در سال ۱۹۷۴ توسط کیم جونگ‌ایل به طور رسمی اعلام شدند و در زندگی سیاسی و روزمره مردم جدایی ناپذیراند و از طریق جلسات خود انتقادی (هفته‌ای یک بار) باید مورد استفاده قرار گیرند.

۵- با اصلاحیه ۲۰۱۹، رهبر کشور می‌تواند جامعه را در راستای آموزه‌های پدر بزرگ و پدر و مکتب جوچه راهبری نماید و با نفوذ در پارلمان از طریق حزب کارگر و نهاد خاص قانونگذاری (پرزیدیوم) می‌تواند هر قانونی که بدان تمایل داشته باشد را وضع و اجرا نماید.

۶- قانون اساسی ابزاری است در ید رهبر کره و حزب حاکم وی تا به تصمیمات و اقدامات اقتدارگونه و توتالیتر خود جنبه قانونی و مردمی دهد، چون ادعا دارد که پارلمان با انتخاب مردم شکل می‌گیرد و تصمیمات به شیوه قانونی و در رویه دموکراتیک اتخاذ می‌شود.

۷- قانون اساسی مشق شب اجباری همه شهروندان است تا همچون جان خود از آن محاظت نمایند و و غایت زندگی آنها پاسداری از مکتب جوچه ابداعی کیم و وفاداری و سرسپردگی به خاندان کیم تا ابد است و طرحی برای سبک زندگی آنها محسوب می‌شود. به عبارتی، زندگی آنها باید جوچه‌ای شود، البته در قالب و شیوه‌ای که رهبر و حزب کارگر به آنها تجویز می‌نماید و خروج از آن، خیانت و محرومیت از حق و حتی زندگی می‌شود. زندگی فقط یک معنا دارد: «مکتب جوچه و رهبری کیم».

۴- آثار عملی دکترین جوچه در ماهیت و ساختار سیاسی

نظام سیاسی کره شمالی یکی از انحصاری‌ترین نظام‌های سیاسی در دنیا محسوب می‌شود که تمام مولفه‌ها و شاخصه‌های نظام یکتاسالاری، اقتدارگرایی و توتالیتریستی که در آثاری هانا آرنه (See: Arendt, 2009, French, 2016) در پی توصیف و تشریح آن از طریق تحلیل شیوه زمامداری لنین و هیتلر بود یک‌جا می‌توان در نوع، ماهیت و عملکرد خاندان کیم و شیوه سازماندهی حکومت در کره شمالی مشاهده نمود. کره شمالی تحت رهبری مطلق کیم جونگ‌اون (کیم سوم) و تابع محض دکترین جوچه، سیاست سانگون (اولویت اول-نظامی)، سیاست سنگبون (نظام طبقاتی)، تسلط کامل حزب واحد کارگر، تصرف پارلمان توسط حزب کارگر و جبهه وطنی، تصدی پست‌های اصلی قدرت توسط کیم جونگ‌اون (رهبر عالی کشور، نماینده خلق کره، رئیس ابدی کمیسیون امور دولتی (معادل رئیس قوه مجریه)، رئیس و دبیر حزب کارگر، رئیس کمیسیون دفاع ملی، فرمانده کل ارتش و نیروهای نظامی، امنیتی و اطلاعاتی) می‌باشد. قوه مقننه تحت سیطره حزب کارگر و واضع قوانین است که از دستورات کیم و مکتب جوچه نشأت می‌گیرد و هیچ نماینده‌ای جرات نمی‌کند تقاضای تصویب قانونی نماید که از قلمرو اراده رهبر کبیر و مکتب جوچه، اصول ۱۰ گانه ایدئولوژی واحد، اهداف و سیاست‌های نظامی خارج باشد. قوه قضائیه و قضات (رئیس دادگاه مرکزی و دادستان مرکزی) تابع محض وی می‌باشند، چرا که در ساختار سیاسی کشور توسط حزب کارگر منصوب می‌شوند. هرگونه اعتراض و انتقادی با مجازات‌های سنگین رهبر عالی مواجه خواهد شد.

با بررسی و تحلیل مختصر ساختار سیاسی، نظام سلسله مراتب توزیع قدرت و نظام متمرکز

تصمیم‌گیری در این کشور می‌توان به مولفه‌های توتالیتر بودن این نظام پی برد.

۴-۱- رهبری واحد

نظام رهبری واحد در راس امور کشور قرار دارد و به عنوان برترین مقام سیاسی و حقوقی، ساختار سیاسی را تحت نفوذ خود قرار می‌دهد. رهبر کبیر کره شمالی بر اساس دکترین جوچه و اصول ده‌گانه ایدئولوژی واحد و سیاست‌های خود کل ساختار سیاسی این کشور را مدیریت می‌نماید (See: Shahmoradi and Sheikh Al-Islami, 2018). هیچ قانونی برتر از اراده او نیست، چون او هویت‌بخش ملت و دستورات او تأمین‌کننده خیر و سعادت مردم، منافع و مصالح کشور می‌باشد. دوره زمامداری خاندان کیم عبارتند از: «کیم ایل‌سونگ (پدر بزرگ) از سال ۱۹۴۵ الی ۱۹۹۴ با انتخاب پارلمان و تحت عنوان رئیس‌جمهور و رهبر کبیر؛ ۲- کیم جونگ‌ایل (پدر) از سال ۱۹۹۴ الی دسامبر ۲۰۱۱ با انتخاب پارلمان و تحت عنوان «رهبر محبوب»؛ ۳- کیم جونگ اوون (پسر) از اواخر ۲۰۱۱ تاکنون تحت عنوان «وارث کبیر» و رهبر الی‌الابد غیرانتخابی» (Encyclopedia, 2020: 2-6).

نظام رهبری واحد در کره شمالی در قالب زمامداری اقتدارگرای خانواده کیم تجلی یافته و به صورت وراثتی در این خانواده ابدی شده است. این موضوع تحت عنوان رهبران ابدی و جاودان در مقدمه قانون اساسی ۱۹۷۲ و اصلاحات بعدی وارد شده است. به طور مثال در اصلاحیه‌های سال‌های ۱۹۹۸ و ۲۰۱۶، «حزب کارگران و جمهوری دموکراتیک خلق کره و کل مردم کره، رهبر کبیر و رفیق کیم ایل‌سونگ» را به عنوان رئیس‌جمهوری ابدی تحسین می‌نمایند. خاندان کیم مظهر استقلال، هویت ملت، خوشبختی، سعادت و غایت زندگی مردم است و بدون رهبری کیم، زندگی معنا و مفهومی ندارد. گویی آنها مردم را از وضعیت بردگی به حالت آزادگی رسانده‌اند و هویت جدیدی با آغاز حکومت خاندان کیم پیدا کرده‌اند و با دادن خودتعیینی و هویت مستقل و ارزش نهادن به اصالت انسان، زندگی خود مدیون خانواد کیم می‌دانند، پس با وفاداری به رهبر و مکتب جوچه و فرامین رهبر، وفاداری خود را اثبات می‌کنند. مکتب جوچه و اصول ایدئولوژی واحد، محور رفتار رهبر با مردم شده و اجرای مولفه‌های آن از طرف رهبر نظام، همسویی مردم را به دنبال دارد و توسل به آیین جوچه در سخنرانی و رفتارها، وفاداران نظام را به خوشنودی و رضایتمندی می‌رساند.

۴-۲- حزب حاکم و واحد

حزب کارگر خلق کره بعد از رهبر، کلیه اقتدارات سیاسی را بدست دارد. رهبر عالی: رئیس، دبیر اول و مقام ارشد حزب کارگر است و فرامین او بر کل ساختار حزب مقدم است. اعضای اصلی حزب با نظر رهبر معرفی و تعیین می‌شوند و در فهرست انتخاباتی پارلمان قرار می‌گیرند

¹. The Workers' Party of Korea (WPK)

(Murray, 2020: 2-4). چنین رویه‌ای برای نهادهای محلی و منطقه‌ای نیز بکار می‌رود. در نتیجه کاندیداها تایید شده حزب و رهبر در فهرست انتخاباتی و سپس مورد گزینش اجباری مردم قرار می‌گیرند. کسانی که درجه شهروندی آن‌ها در هسته اصلی قرار دارند و کاملاً به مکتب جوچه و رهبر کشور وفادار می‌باشند، می‌توانند با شروط بسیار سختی عضو حزب و احتمالاً در فهرست انتخاباتی وارد شوند. دو حزب دیگر تحت عنوان‌های «حزب سوسیال دمکراتیک و حزب چوندوئی چونگو» فعال هستند در انتخابات ۲۰۱۹ ترکیب نمایندگان مجلس خلق از «حدود ۸۷/۵ درصد حزب کارگر، ۷/۴ درصد حزب سوسیال دمکراتیک، ۳/۲ حزب چوندوئی چونگو و ۱/۹ درصد افراد مستقل تشکیل شده است» (Hotham, 2019: 2 and Colin, 2019: 3-6). هر سه حزب تحت عنوان واحد ائتلافی «جبهه دموکراتیک برای اتحاد مجدد میهن»^۱ در پارلمان فعالیت می‌نمایند. این جبهه متحد وطنی در راستای آموزه‌های دکترین جوچه و متحدسازی مردم در قالب یک توده واحد و همگن بوده تا از این طریق استقلال سیاسی و حاکمیت ملی مستقل به عنوان یکی از مولفه‌های دکترین جوچه حفظ شود و نظام تک‌صدایی در پارلمان مظهر استقلال و وحدت ملی کشور محسوب می‌شود.

در این کشور، احزاب سیاسی خارج از مکتب جوچه، سیاست‌های رهبر و حزب کارگر حق فعالیت ندارند و در عمل، نظام کثرت‌گرایی و تنوع فکری در این کشور وجود ندارد. ایجاد و تاسیس هر حزبی یا اتحادیه‌ای تحت نظارت مقامات حزب حاکم است و باید در اساسنامه خود، مکتب جوچه و دستاوردهای انقلابی کیم ایل سونگ را بپذیرند.

۳-۴- نظام وحدت قوا

کره شمالی در نظام تفکیک قوا، مصداق نظام وحدت قوا است که در عصر کنونی دیگر در هیچ کشوری مشاهده نمی‌شود. قوای سه‌گانه در ساختار رهبری واحد جمع شده است و ابتکار مدیریت و کنترل قوا در ید رهبر نظام است. بدین صورت که اعضای قوه مقننه، از اعضای حزب کارگر تشکیل شده که رئیس آن، رهبر کشور است، اعضای پارلمان (مجمع عالی خلق کره) بعد از نهاد رهبر کبیر، رکن اصلی در نظام قانونگذاری است که «دارای ۶۷۸ عضو و عمدتاً از میان حزب کارگر، و حزب سوسیال دمکراتیک، حزب چوندوئی چونگو و افراد مستقل توسط مردمی در انتخابات عمومی هر ۵ سال یکبار برگزار می‌شود تشکیل می‌گردد» (Inter-Parliamentary Union, 2020: 1). در انتخابات ۲۰۱۹، همه واجدین شرایط رای بالای ۱۷ سال سن تمام، صدر-صد در انتخابات شرکت نمودند. دلیل این مشارکت، رای‌گیری اجباری و نماد تعهد و وفاداری مردم به مولفه اصلی دکترین جوچه، یعنی حفظ استقلال داخلی و خارجی کشور و تثبیت ثبات و

^۱. Democratic Front for the Reunification of the Homeland

^۲. Supreme People's Assembly

امنیت کشور تلقی می‌شود. مردم با شرکت در انتخابات از دستاوردهای انقلاب کیم ایل سونگ و مکتب جوچه محافظت می‌نمایند. حضور آنها دشمنان نظام یعنی آمریکا، کره جنوبی و ژاپن را دلسرد خواهد و بیم هرگونه اشغال کشور و نقوذ بیگانگان از بین می‌رود. لازم به ذکر است در انتخابات اخیر، یک گزینه هم در کنار فهرست احزاب وجود داشت به معنای «عدم رای»، که هیچ کسی جرات ارائه چنین رای نداشت؛ چرا که نظام رای‌دهی تحت نظارت و کنترل مقام امنیتی قرار دارد. انتخاب این گزینه، به معنای خیانت به مکتب جوچه و عدم وفاداری به حزب کارگر و رهبر محسوب می‌شود. این گزینه نوعی شبیه‌سازی دموکراسی است.

رئیس و اعضاس اصلی «دادگاه مرکزی» و «دادستانی عمومی مرکزی» که معادل قوه قضائیه است، توسط پارلمان انتصاب یافته و زیر مجموعه قوه مقننه و حزب کارگر می‌باشند، لذا ملزم‌اند که آموزه‌های دکتربن جوچه، اصول ده‌گانه ایدئولوژی واحد، دستورات رهبر و حزب کارگر را در محاکمات پیاده‌سازی نماید که در عمل نظام دادرسی تحت الشعاع دکتربن جوچه و اقتدارگری رهبر و حزب حاکم کشور قرار می‌گیرد.

قوه مجریه هم متشکل از شورای امور دولتی و کابینه است که رئیس آن رهبر کشور که معادل رئیس جمهور است و نخست وزیر و وزیران با تایید پارلمان فعالیت می‌کنند که در عمل از طریق حزب کارگر و رهبر کنترل می‌شوند. به موجب ماده ۱۰۴ قانون اساسی، اصلاحیه ۲۰۱۹، رئیس قوه مجریه، به عنوان رئیس کشور، کلیه امور اجرایی داخلی و خارجی را به دست دارد و رئیس ارتش و نیروهای مسلح، کمیسیون امور دولتی، نماینده اعظم خلق کره در همه امور است. ارتش تحت مدیریت مستقیم رهبر قرار دارد. ارتش خلق کره، یکی از مستحکم‌ترین عناصر نظام سیاسی کره است و به عنوان حافظ آرمان‌های انقلاب و دستاوردهای کیم ایل سونگ تحت رهبری واحد رئیس کشور و در راستای مولفه سوم جوچه، یعنی «خوداتکایی در دفاع ملی» فعالیت می‌نماید. نیروی نظامی و ارتش نقش بسیار حیاتی در اقتدارگری رهبر کره شمالی و تحقق آرمان استقلال دفاعی در مکتب جوچه دارد. اصل وحدت فرماندهی نظامی تحت رهبری واحد رهبر کره و نظام سلسله مراتب سخت نظامی توانسته ارتش این کشور را با نیروی نظامی حدود یک و نیم میلیون نفر آماده و حدود ۷ میلیون نفر ذخیره (۲۵ درصد جمعیت کشور) به یکی از پنج قدرت نظامی دنیا تبدیل کند. ارتش نیروی تضمینی مکتب جوچه و متشکل از جوانان اعم از زن (با خدمت ۷ سال) و مرد (با خدمت ۱۰ سال) می‌باشد و با خدمت طولانی مدت، خود را به آرمان جوچه وفادار می‌دانند. نظامی‌سازی کشور متاثر از اندیشه‌های کیم ایل سونگ برای حفظ کشور از تجاوز سایر قدرت‌ها و اصل دفاع ملی نشأت گرفته از مولفه سوم جوچه، توسط کیم دوم نهادینه شد و به سیاست سانگون (اول-نظامی) تبدیل شد. سیاست سونگون به عنوان اصلی بنیادین موید اتحاد

¹. Article 104 The Socialist Constitution of the Democratic People's Republic of Korea

کامل و یکپارچگی سه عنصر: «مردم، حزب و ارتش است» (See: Tudor and Pierson, 2020) و نقش ارتش به عنوان یک مجموعه پیشقراول محسوب می‌شود. به عبارتی، ارتش کره شمالی مترادف با مردم، دولت و حزب است. سانگون در نظر کیم جونگ‌ایل به عنوان نیروی اصلی انقلاب عمل می‌کند و اتحاد ارتش و مردم به صیانت و ساخت سوسیالیسم کمک می‌نماید.

در عمل، سیاست نظامی سانگون، منجر به امنیتی و نظامی‌سازی جامعه و عامل مهمی برای سرکوب مخالفان و تبعیت ساین شده است. بیشتر بودجه کشور با توجه صیانت از رکن سوم جوچه (خوداتکایی در دفاع ملی) صرف امور نظامی و ساخت موشک‌های بالستیک، بمب اتم و سلاح‌های شیمیایی برای ایجاد کمر بند دفاعی شده است و به نوعی رکن اصلی نظام توتالیتر، یعنی قابلیت بالای سرکوب مخالفان را دارا می‌باشد. با وجود چنین نظام مخوفی از نیروهای مسلح، بعید است دولتی جرات حمله به این کشور و یا معترضین داخلی توان اعتراض داشته باشد. پس کیم جونگ‌اون و حزب کارگر با آسودگی خیال به اقتدارگری خود در این کشور ادامه خواهند داد.

۴-۴- نظام تمرکز شدید قدرت سیاسی

تحقق آرمان جوچه، حفظ قدرت در ید خاندان کیم و تضمین اقتدارگری آنها مستلزم نوعی از ساختار بندی قدرت و شیوه‌ای از زمامداری است که تمامی سازمان‌ها و نهادها همه به صورت سلسله مراتبی و طولی در نهایت به اراده رهبر کشور ختم شده و در انطباق یا مولفه‌های جوچه و اصول ایدئولوژی واحد تنظیم می‌شوند. اساس مکتب جوچه بر استقلال سیاسی و خوداتکایی بنا نهاده شده است، پس برای عملی ساختن چنین سیاستی، خاندان کیم به نظام تمرکز قدرت سیاسی متوسل شده‌اند تا در همه امور ابتکار عمل داشته و توانایی مقابله با هرگونه مخالفت و اعتراضی را داشته باشند. صیانت از تخت موروثی خاندان کیم و دکترین جوچه وابسته به داشتن مردمی مطیع و ساختارها و نهادهایی است که همچون دست و زبان وی عمل کنند و او مدیر و فرمانده و مغز متفکر این فرایند است. رهبر عالی، با تمرکز ارکان تصمیم‌گیری کشور در ید خود و حزب کارگر و انتصاب مقامات ذی‌نفوذ خود در پارلمان، کابینه، کمیسیون امور دولتی، دادگاه مرکزی، ارتش و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی، عملاً نظام سیاسی همه‌گیر یا توتالیتر را به نمایش گذارده است که در آن هیچ کس اعم افراد دولتی و مردمی توان مقابله و مخالفت با وی را ندارند و به نظر می‌رسد نظام سیاسی متمرکز قدرت خاندان کیم با وجود یکی از قویترین ارتش‌های جهان و تجهیزات نظامی قوی نظیر موشک‌های بالستیک و بمب اتم، صحبت از فروپاشی این رژیم سیاسی بیشتر شبیه یک شوخی تا یک واقعیت نزدیک باشد.

در مجموع، عوامل مادی و روانی کافی برای توتالیتر شدن ساختار سیاسی در کره شمالی وجود دارد. در بعد روانی با توسل به آرمان‌های انقلاب کیم اول و مکتب جوچه، نیروهای وفادار را به تبعیت وا می‌دارد. بسیاری از طبقه وفادار گویا عمیقاً باورشان شده که کیم خدای آنها است و کاری غیر از ستایش، خدمت به وی و عملی ساختن مکتب جوچه ندارند و با استفاده از عوامل

مادی نظیر ساختارهای سیاسی کاملاً بسته و یکتاسالار، استفاده از نیروی سرکوب، مجازات، ایجاد رعب و وحشت، طبقه مردم و مخالف را وادار به تبعیت می‌نماید.

نتیجه‌گیری

دکترین جوچه علی‌رغم الهام گرفتن از اصول مارکسیسم-لنینیسم، اما در مسیر اندیشه‌های خاص و انحصاری خاندان کیم قرار گرفت و در ابتدا مکتب جوچه با مفهوم اتکاء به خود و تاکید ویژه بر استقلال و خودآیینی انسان و اینکه انسان قادر به انجام هر کاری است با ابتکار کیم ایل سونگ در ساختار سیاسی و حقوقی کره شمالی نفوذ کرد و با ارائه مولفه‌های سه گانه خود یعنی: استقلال سیاسی، خودکفایی اقتصادی و خوداتکایی در دفاع ملی، سرنوشت کلیه امور عمومی و سبک زمانداری و زندگی مردم را تحت سلطه خود قرار داد. اما دکترین جوچه در قالب نظام توتالیتر، تحت هدایت رهبری واحد، اصول ده گانه ایدئولوژی واحد و حزب کارگر بر پیکره جامعه اعمال شد. به گونه‌ای که اصول قانون اساسی رنگ و بوی جوچه‌ای و اقتداگری رهبر کشور را به خود گرفت تا اندازه‌ای که می‌توان گفت قانون اساسی یعنی قانون اقتدار خاندان کیم بر سرزمین کره شمالی است. دکترین جوچه هرچند موجبات استقلال کشور و ملت را فراهم نمود اما چون ابزاری در جهت موروثی کردن قدرت سیاسی در خانواده کیم و حزب کارگر شد، نتوانست در وضعیت اقتصادی، رفاهی، صنعتی شدن و پیشرفت کشور موثر واقع شود و سرزمین را به کشوری عقب مانده و فقیر تبدیل نمود که حقوق بشر برای او دیگر مهم نیست.

مولفه اول جوچه، یعنی استقلال سیاسی داخلی و خارجی هم به انحراف کشیده شد. چرا که مکتب جوچه، انحصار قدرت سیاسی را به بهانه صیانت از آرمان‌های انقلاب و دستاوردهای پدر بزرگ در خاندان کیم متمرکز کرد، به گونه‌ای که رهبر دارای موقعیت عالی سیاسی شد و حیات و ممات کلیه امور در ید وی خلاصه می‌شود. با توسل به مکتب جوچه، وی موجبات وحدت قوا و تمرکز سیاسی و حقوقی را در داخل کشور فراهم نموده و از نظر خارجی هم کره شمالی کشوری منزوی بوده و فقط با دولت‌های کمونیستی و برخی کشورهای همسوار تباط دارد و از نعمت روابط دیپلماتیک صلح‌آمیز و تعاملات جهانی محروم می‌باشد. مولفه دوم، یعنی خودکفایی اقتصادی هم سرابی شد و در عمل هیچ زیرساخت اقتصادی و پیشرفتی در این کشور حاصل نشده و در ابتدایی نیازهای روزمره زندگی مردم، وابستگی شدیدی به کالاهای کشور چین و روسیه دارد. مولفه سوم دکترین جوچه، یعنی خود اتکایی در دفاع ملی، هرچند باعث استقلال و امنیت ملی شد و از نفوذ بیگانگان جلوگیری نمود و به خطرات استعماری ملت پایان داد، اما در عمل و در ساختار سیاسی و حقوقی اثرگذار و منتهی به سیاست سانگون «اول-نظامی» شد. سیاستی که اولویت را به ارتش و نیروی نظامی داد تا جایی که هیچ کشوری جرات جمله به

کشور را نداشته باشد. این سیاست باعث شد تمام امور کشور در سایه امور نظامی قرار گیرد و نظام پلیسی و اعمال محدودیت بر حقوق و آزادی‌ها بسیار تشدید شود. در واقع کره شمالی با اختصاص نیمی از درآمد ملی به ارتش، اقتصاد، صنعت، کشاورزی و دانش را در وضعیت عقب-ماندگی قرار داده است. با چنین سیاستی همواره اولویت را بر آمادگی برای مبارزه با آمریکا و دشمنان فرضی قرار داده است که البته این سیاست وسیله‌ای بسیار مرموزانه برای حفظ قدرت سیاسی خاندان کیم است تا با در دست داشتن نیروی نظامی قوی از بعد داخلی مخالفین را سرکوب کرده و مردم وادرا به تبعیت از خود و آرمان‌های مکتب جوچه کنند و از بعد خارجی هم با ساخت بمب اتم و موشک‌های بالستیک، نوعی سیستم امنیتی دفاعی خارجی و کمر بند امنیتی برای حفظ قدرت خود ایجاد نمایند.

در تحلیل نهایی تاثیرات دکترین جوچه بر ساختار سیاسی و حقوقی کره شمالی باید عنوان نمود که جوهره دکترین جوچه فی‌الذمه مطلوب هر جامعه انسانی است، اما در عمل این دکترین ابزار اقتدارگری خاندان کیم شد و تحت اسارت اندیشه‌های دیکتاتوری رهبران کره شمالی درآمد. همانطور که آرمان‌های کمون و اصالت اجتماع و عدالت اجتماعی در قالب اندیشه دیکتاتوری لنین و استالین و ملی‌گرایی تحت سیطره افکار وحشیانه هیتلر قرار گرفت. در واقع، با سوءاستفاده و سوءتعبیر از مولفه‌های این مکتب توسط خاندان کیم آن هم برای موروثی کردن قدرت و تأمین روحیه اقتدارگری و همه‌گیری، دستاوردی جز عقب‌ماندگی، نقض حقوق بینادین بشر، عدم توسعه، رویکرد نظامی‌گری و انزوای بین‌المللی برای ملت به بار نیاورده است. شاید این نتیجه را می‌توان با مقایسه سطح پیشرفت کره جنوبی در همه امور و جایگاه و احترام ویژه دولت و ملت این کشور در عرصه جهانی گویای تقابل اندیشه مردم‌سالاری در برابر یکتاسالاری را به تصویر کشید. شاید بتوان گفت که «کره جنوبی، همه چیز دارد، به جز بمب اتم و کره شمالی هیچ چیزی ندارد، جز بمب اتم».

References

1. Amirkhani, R. (2019). *Nim Dong Pyongyang*, Tehran: Ofogh.
2. Arendt, H. (2009). *Totalitarianism*. Translated by M. Thalasi. Tehran: Third Edition.
3. Beauchamp, Z. (2018). Juche, Retrieved 2020. at: <https://www.vox.com/world/2018/6/18/17441296/north-korea-propaganda-ideology-juche>
4. Colin, Zwirko (2019). Kim Jong Un left off List of Officials Elected to 14th Supreme People's Assembly. Retrieved 2020. at: <https://www.nknews.org/2019/03/kim-jong-un-left-off-list-of-officials-elected-to-14th-supreme-peoples-assembly>
5. *Encyclopedia Wikipedia* (2020). List of leaders of North Korea. Retrieved 2020. at:

- https://en.wikipedia.org/wiki/List_of_leaders_of_North_Korea
6. Freedom House (2012). "Freedom in the world 2012, Retrieved 2020. at: https://freedomhouse.org/sites/default/files/FIW%202012%20Booklet_0.pdf
 7. French, P. (2016). *Government in Captivity of Illusion (North Korea, Paranoid Government)*. Translated by M.H. Baghi. Tehran: Sarai.
 8. Hotham, O. (2019). North Koreans vote in parliamentary elections 2019. *NK News*, Retrieved 2020. at: <https://www.nknews.org/2019/03/north-koreans-vote-inparliamentary-elections>
 9. Inter-Parliamentary Union (2020). The Parliamentary System of the Democratic People's Republic of Korea. Retrieved 2020. at: <https://www.ipu.org/parliament/KP>
 10. Kim, H.C., Kim, D.K. (2005). *Human remolding in North Korea: A social history of education*, Lanham, MD: University Press of America, Inc.
 11. Lankov, A. (2013). *Real North Korea: Life and Politics in the Failed Stalinist Utopia*. New York NY: Oxford University Press.
 12. Lee, G. (2003). The Political Philosophy of Juche. *Stanford Journal of East Asian Affairs*. 3(1), 105-112.
 13. Murray, L. (2020). Korean Workers' Party: political party, North Korea. In: *Encyclopedia of Britannica*, Retrieved 2020. at: <https://www.britannica.com/topic/Korean-Workers-Party>.
 14. Nami, M. (2006). *Geography of North Korea*. Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces.
 15. North Korea Constitution (2009). Socialist Constitution of the Democratic People's Republic of Korea. Retrieved 2020. at: https://www.servat.unibe.ch/icl/kn00000_.html
 16. Oberdorfer, D. (1997). *The Two Koreas: a contemporary history*, Reading, Mass: Addison-Wesley.
 17. Official USA Delegate (2014). "What is the Philosophical Principle of the Juche Idea?", Retrieved 2020. at: <https://www.kfausa.org/philosophical-principle-juche-idea>
 18. Shahmoradi, H., Sheikh Al-Islami, M.H. (2018). The Comparison of Political Structure and Relevant Approaches to Unification in South and North Korea. *Journal of Political and International Researches*, 9(34), 308-332.
 19. Suh, C.S. (2002). North Korea's 'Military-First' Policy and Inter-Korean Relations. *The Korean Journal of Defense Analysis*, 9(2), 167-185. at:

- <http://kida.re.kr/data/2006/04/14/09-suh.pdf>
20. The Socialist Constitution of the Democratic People's Republic of Korea (1972). at: https://www.servat.unibe.ch/icl/kn00000_.html
21. Trifoi, B. (2017). Kim was Korea and Korea was Kim: The Formation of Juche Ideology and Personality Cult in North Korea. *FIU Electronic Theses and Dissertations*, 3275, at: <https://digitalcommons.fiu.edu/etd/3275>.
22. Tudor, D., Pierrson, J. (2020). *Against Development: What Happens Under Pyongyang?*. Translated by M.H. Baghi. Tehran: Amin al-Zarb
23. Yongchun, L. (2015). North Korea's Guiding Ideology and Its Impact. In: C. P. Freeman (ed.), *China and North Korea*. Retrieved 2020. at: https://link.springer.com/chapter/10.1057%2F9781137455666_14.





پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی